



علی تاریمی:

باید دست مخاطبانی

که سالن‌های تئاتر را خالی نگذاشتند بوسید

علی تاریمی بازیگر نقش گربه نره در نمایش «گربه نره و روباه مکار» به کارگردانی اوشان محمودی است که در سه نمایش قبلی او نیز به عنوان بازیگر ثابت حضور داشته است.

درباره حضور تان در نمایش «گربه نره و روباه مکار» بگویید که چگونه برای شخصیت گربه نره انتخاب شدید؟

من دو تجربه خوب با آقای محمودی داشتم و در یک گروه نمایشی هم حضور دارم و بر همین اساس دوست داشتم که در این نمایش هم حضور داشته باشم. ویژگی اوشان محمودی این است که بازیگر را همیشه در مسیر درست هدایت می‌کند تا به نقش مورد نظرش برسد و برای همین من تجربه همکاری بسیار خوبی را در کنار او دارم.

متن نمایشنامه به نظر تان چطور بود و چقدر با قصه اصلی پینوکیو تفاوت داشت؟

وقتی اسم پینوکیو به میان می‌آید خیلی از ما تصور می‌کنیم که قصه او همان است که در کودکی در قالب کارتون و انیمیشن دیده‌ایم ولی قصه این نمایش برگرفته از رمانی با همین مضمون است که در خیال نویسنده نمایش شکل گرفته است.

قصه این نمایش لایه‌های زیادی دارد و هر مخاطبی از هر قشری می‌تواند برداشت شخصی خودش را از آن داشته باشد. برای هر مخاطبی حرف و نکته‌ای دارد و همین ویژگی برای من جذاب بود و اگر نخواهیم از بعد روانشناسی و جامعه‌شناسی به آن نگاه کنیم قصه جذاب آن بزرگترین ویژگی این متن است.

مخاطبان چقدر با نمایش از تباط برقرار کردند؟

مخاطبان ما هم در این نمایش هم کودکان و هم بزرگترهایشان را شامل می‌شد. بچه‌ها برداشت‌های بامزه‌ای از نمایش داشتند و درباره آن با ما صحبت می‌کردند و بزرگترها هم به خوبی با ماجرای این نمایش همراه می‌شدند. فکر می‌کنم این نقطه قوتی برای نویسنده این نمایشنامه است که توانسته از هر سنی مخاطب داشته باشد.

شخصیت گربه نره چه ویژگی‌هایی دارد و چه چالش‌هایی برای بازی این کار کتر داشتید؟

من در نمایش قبلی با عنوان «ژیتو» نقش دلقک لال را داشتم و در این نمایش نقش گربه کور را بازی می‌کنم. این دو شخصیت از نظر نوع کار کتر و استایل بدنی فاصله بسیار زیادی از هم داشتند و این چالش جالبی برای من بود.

در طول تمرین‌ها من با چشمان بسته تمرین می‌کردم و کارگردان از من می‌خواست که واقعا چیزی را نبینم که اوایل تمرین خیلی اذیت می‌شدم و رفته رفته با تمرین به فرم چشمی رسیدم که در طول یک ساعت و ربع اجرا هیچ چیزی از نمایش رانمی‌دیدم و میزانشن‌ها را فقط با پروژکتورهای روی سقف هماهنگ می‌کردم.

این نمایش سومین ورژن از یک قصه بین‌المللی است فکر می‌کنید چقدر پتانسیل نمایشی شدن روی صحنه تئاتر برای مخاطب امروز را دارد؟

در قصه پینوکیو که بسیاری از ما انیمیشن آن را دیده‌ایم، اشاره‌ای به چشم سوم و درونیات هر فرد می‌شود انگار این کار کتر همان گوهر وجودی ماست که گویی از درون ما بیرون کشیده شده و در قالب انیمیشن به ما نشان می‌دهند ولی هر کس از زاویه دید خودش به این قصه و کار کتر می‌نگرد. فکر می‌کنم این قصه پتانسیل بسیار بالایی برای نمایشی شدن دارد و هر بار می‌توان از زاویه متفاوتی به آن نگاه کرد. همین ویژگی امکان برداشت‌های متفاوت از قصه پینوکیو و کار کترهای آن است که برای من جذابیت دارد.

برای این نمایش زمان و مکان تمرین مناسب در اختیار شما قرار داشت؟

با وجود همه مسائل و مشکلات اقتصادی که این روزها همه با آن درگیر هستند، برادران محمودی به عنوان کارگردان و تهیه‌کننده بهترین پلاتوها را برای تمرین در اختیار ما گذاشتند و به عنوان بازیگر مشکلی از این نظر نداشتیم. تمرین‌ها را حدود دو هفته قبل از شروع اجرا آغاز کردیم و به خوبی کارمان پیش رفت.

باز خوردها و میزان استقبال مخاطبان چطور بود؟

باز خوردها بسیار خوب بود و باید از همه مخاطبان این نمایش که با وجود شرایط دشوار اقتصادی سالن‌های تئاتر را خالی نگذاشتند، تشکر کنم.

چندی پیش جایی مطلبی خواندم درباره حمایت از تئاتر که نوشته بود چرا ما هنرمندان تئاتر باید خودمان را به دست خودمان حذف کنیم. این حق ماست و نباید تحت هیچ شرایطی خودمان باعث حذف و نابودی خودمان شویم. من معتقدم باید دست همه مخاطبانی را که در این اوضاع نامساعد از هنرمندان تئاتر پشتیبانی می‌کنند، بوسید.

خودش را از این نمایش دارد و هم والدین او دریافت متفاوت خودشان را از این نمایش دارند. خوشبختانه کودکان به همراه بزرگسالان این نمایش را دیده‌اند و هر دو گروه هم آن را دوست داشتند و فکر می‌کنم مخاطب‌شناسی درستی برای این نمایش داشتیم.

نکته مهم دیگر این است که بعد از آن که این نمایش به صورت خانوادگی دیده شود، باید بتوان کسانی را که برای نخستین بار وارد سالن تئاتر می‌شوند به مخاطب دائمی تئاتر تبدیل کرد و برای این کار نیاز به جذابیت‌هایی است که مخاطب را نگه دارد و من امیدوارم که با ریل‌گذاری صحیح در این مسیر هر روز بر تعداد مخاطبان افزوده شود.

اجرای تئاتر در شرایط کنونی چقدر برای شما توجیه اقتصادی دارد و آیا به راحتی می‌توان تهیه‌کننده برای اجرای تئاتر یافت؟

در بهترین حالت اگر بخواهیم کیفیت صددرصدی داشته باشیم می‌توان فقط هزینه‌ها را پوشش داد و سوددهی چندانی ندارد و خیلی از کارها زیان‌ده هستند چون برنامه‌ریزی درست نیست ولی تا جایی که ممکن است باید سعی کنیم که این درصد خطا را پایین بیاوریم. یکی از طرح‌های خوبی که زمانی در مرکز هنرهای نمایشی مطرح شد ولی به جایی نرسید این بود که بودجه‌ای را در اختیار گروه‌های نمایشی قرار می‌دادند که در طول سال یک یا دو اجرا داشته باشند.

ولی متأسفانه با ورود هر مدیری همه طرح‌ها و برنامه‌های مدیر قبلی ملغی می‌شود. قرار بود دولت یارانه‌ای را به سالن‌های خصوصی بدهد و این سالن‌ها نیز افراد منتخب خودشان را به استخدام دریاورند تا در طول سال اجرا داشته باشند و اگر اجراهای پر تماشاگر و خوبی باشد، سال بعد بودجه بیشتری دریافت کند اما این طرح‌ها حالا از بین رفته است و هر کسی پول بیشتری دارد، می‌تواند اجرای بیشتری هم داشته باشد و این کیفیت آثار را پایین می‌آورد.

در دیگر کشورهای دنیا گروه‌های نمایشی با یک کمپانی همکاری می‌کنند و موظفند که در طول سال چند اجرا داشته باشند و با برخورداری از حقوق ثابت با بهترین کیفیت کارشان را انجام می‌دهند و این کمپانی است که مسئول فروش نمایش است و در این زمینه تلاش می‌کند. اما در ایران اگر چه این بودجه هست اما اشتباه هزینه می‌شود و کسی برای این مسائل اهمیتی قائل نیست.

پله پله آمده‌ام تا امروز که به من اعتماد شده و در سالن اصلی تئاتر شهر می‌توانم کارم را اجرا کنم. من از این اعتماد نهایت استفاده را خواهم کرد تا هم بهترین اجرای خودمان را داشته باشیم و مدیری که به من اعتماد کرده را سراسر افکنده نکنم اگر این اعتماد باشد، ما می‌توانیم از بسیاری کشورها دیگر جلوتر باشیم.

چه مسائل و مشکلاتی در روند تمرین و اجرا داشتید؟

یکی از این مسائل زمان کمی است که برای اجرای دکور و گریم در اختیار داشتیم. ما باید که یک ماه قبل از اجرا بتوانیم از سالن با اجرای دکور، نور، گریم و برای تمرین استفاده کنیم در حالی که فقط سه ساعت مانده به اجرا می‌توانیم سالن را در اختیار داشته باشیم آن هم سالی که از صبح خالی است و استفاده‌ای از آن نمی‌شود. آهنگساز من باید این امکان را داشته باشد که حتی از دو ماه قبل سالن را ببیند و موسیقی را در سالن نمایش بتواند بشنود اما این دسترسی را نداریم و باید در همین سه ساعت مانده به اجرا همه این کارها را انجام دهیم و این مسائل از کیفیت کار ما می‌کاهد.

مسئله دیگر کمبود امکانات سالن‌های نمایش در زمینه نور است. در حال حاضر همه جا نور ال‌ای دی برای سالن‌های نمایش استفاده می‌شود اما سالن‌های ما حتی بهترین آنها فاقد این امکانات هستند و باید گروه‌های نمایشی خودشان آن را تأمین کنند که با توجه به این که این گروه‌ها به لحاظ اقتصادی در مضیقه قرار دارند، این امکان فراهم نمی‌شود و باز هم روی کیفیت کار تأثیرگذار است. همه این مسائل با یک مدیریت صحیح و اصولی درست می‌شود و نیاز به کار زیادی هم ندارد.

باز خوردها تاکنون چطور بود و مخاطبان چقدر با این نمایش ارتباط برقرار کردند؟

نود درصد مخاطبان ما با توجه به نقدها و نظراتی که دریافت کردیم، راضی بودند و حتی برخی خیلی به ما لطف داشتند و از این نمایش به عنوان یکی از بهترین نمایش‌های تهران یاد کرده‌اند.

مخاطبان شما در این نمایش چه کسانی بودند و کدام قشر ارتباط بهتری با آن برقرار کردند؟

من دنبال این بودم که خانواده‌ها در کنار هم این اجرا را به تماشا بنشینند چون نمایش به گونه‌ای است که هم کودک هشت ساله درک